

متن پرسش

باسلام خدمت آقای طاهرزاده گرامی. یک خبری در خبرگزاری فارس منتشر شد از قول آقای صادق زیباکلام که متن کاملش در ذیل می آید. ایشان در مناظره آزاداندیشی مطالبی را عنوان کردند؛ بعد از آن خبری در فارس منتشر شد در خصوص یادداشت آقای عباس مقتدایی به آقای زیبا کلام که کامل آن را هم در زیر می آورم. جناب طاهرزاده از نظر شما لازم بود با توجه به اینکه یک مناظره بود و هرکس حق داشته هرچه می خواهد بگوید ، این نماینده مجلس درصدد پاسخ برآید؟ خوب آقای زیباکلام اسرائیل را در صحبت‌هایش به رسمیت شناخته و یا گفته جمهوری اسلامی نیز به سرنوشت شوروی دچار می شود و یا گفته رهبران ایران به تقلید از کمونیسم با آمریکا مبارزه می کنند؛ خوب نظرش را گفته. مگر نمی شود انسان نظرش را بگوید؟ چه دلیل دارد آقای مقتدایی موضع گرفته؟ دوست دارم برای تنویر اذهان نظر شما رو هم بدونم ممنون متن خبر خبرگزاری فارس در مورد صحبت‌های آقای زیباکلام: «...» «به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه خبرگزاری فارس، صادق زیباکلام عضو هیات علمی دانشگاه تهران و عبدالله گنجی مدیرمسئول روزنامه جوان در مناظره‌ای با موضوع «تعامل انقلاب اسلامی با غرب» در دانشگاه امام صادق (ع) حضور یافتند. در این مناظره گنجی به ایدئولوژیک بودن جنگ غرب با ایران اشاره کرد و تأکید کرد که تشیع و صهیونیسم تضاد معرفتی دارند از سوی دیگر زیباکلام تأکید کرد که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد و مشکل اصلی را نگاه ایدئولوژیک به جهان مطرح کرد. گزارش کامل این نشست را در زیر بخوانید: گنجی: جنگ غرب با ایران ایدئولوژیک است/ تشیع و صهیونیسم تضاد معرفتی دارند مدیرمسئول روزنامه جوان با بیان اینکه مشکل ما با غرب یک مسئله معرفتی است، گفت: ما باید بدانیم که اگر از مواضع دینی‌مان عدول کنیم و اسلام را در عرصه سیاسی کنار بگذاریم افول ما دور از ذهن نخواهد بود. عبدالله گنجی مدیرمسئول روزنامه جوان در مناظره‌ای با موضوع «تعامل انقلاب اسلامی با غرب» به همت هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی با همکاری مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق(ع) اظهار داشت: کشور ایران سه بار در معرض تمدن غیر قرار گرفته است. اولین آن تمدن اسلامی بود که غنای فرهنگی ایرانیان باعث شد قرآن را بگیریم و عربیت را پس بزنیم. وی افزود: تمدن دیگری که ایران با آن مواجه شد تمدن مغول‌ها بود که آنان نیز در فرهنگ شیعی و اسلامی ایرانیان هضم شدند. حال هم که در مقابل تمدن غرب قرار گرفته‌ایم که اولین مواجهه ما با آنها نیز در جنگ ایران و روس بود. گنجی در ادامه با دو وجهی خواندن غرب گفت: یک وجه تمدن غرب سلطه‌گری و یک وجه دیگر آن تمدن علم و سخت‌کوشی است و ایرانیان زمانی از غرب ضربه خوردند که نتوانستند بین این دو وجه تفکیک قائل

شوند و هر چه جلوتر رفتیم تاثیرپذیری فرهنگی ما بیشتر شد، از فروپاشی عثمانی تا امروز یک تقابل بین اسلام و غرب شکل گرفته است. مدیرمسئول روزنامه جوان با اشاره به سه نگاه به غرب در جهان اسلام، گفت: یک نگاه آن است که تقی‌زاده‌ها داشتند و آن وادادگی مطلق به غرب بود. نگاه دیگر مقاومت مطلق بود که خورشید احمد نماینده این نگاه است و نگاه آخر به غرب در جهان اسلام نگاه گزینشی است که دو وجه غرب را در نظر دارد. نگاه انقلاب اسلامی به غرب نیز نگاه گزینشی است که در برخی موارد مانند مجلس موفق شدیم آن را به وسیله تاسیس شورای نگهبان بومی کنیم. عبدالله گنجی با بیان اینکه مسئله ما با غرب یک مسئله معرفتی است، گفت: ما این مسئله را نباید تنها برای موضوع هسته‌ای خرج کنیم. اصل دعوی ما با غرب معرفتی است و مسئله هسته‌ای و حمایت از حزب‌الله و غیره بهانه‌های عرفی بین‌المللی غرب علیه ماست. ما در ساکت‌ترین حالت نیز از گزند غرب در امان نخواهیم بود چرا که امام (ره) می‌فرمایند ما چه خواهیم و چه نخواهیم آمریکا و صهیونیست‌ها به دنبال ما خواهند بود تا حیثیت ما را لکه‌دار کنند. وی در ادامه با طرح این سؤال که آیا غرب هم مانند ما ایدئولوژی دارد یا خیر؟ گفت: از آنجا که غرب با ما در مبارزه است، پس مبارزه بدون ایدئولوژی امکان پذیر نیست به همین خاطر غرب با ما مرزبندی گفتمانی دارد. غرب برای پویایی خود نیاز به غیریت دارد. هانتینگتون وقتی از برخورد تمدن‌ها صحبت می‌کند می‌خواهد یک غیریتی را برای غرب به وجود آورد. مدیرمسئول روزنامه جوان در ادامه در پاسخ به زیباکلام که اعتقاد داشت مارکسیست‌ها در اوایل انقلاب از وزن بالایی برخوردار بودند، گفت: اگر مارکسیست‌ها در اوایل انقلاب از وزن بالا و پرستیژ بالایی برخوردار بودند پس چگونه ۹۸ درصد به جمهوری اسلامی رای دادند. امام (ره) حتی مجاهدین خلق که رده‌هایی از مارکسیسم داشتند را نپذیرفتند. نهضت آزادی‌ها که مخالف پهلوی بودند اما انقلابی نبودند در سایه امام (ره) روی کار آمدند. * ایران زایشگاه شیعه سیاسی است گنجی با بیان اینکه صفویه محل تولد سیاست شیعه بود، گفت: ما باید قبول کنیم ایران زایشگاه شیعه سیاسی است. سیاست در ذات شیعه است چون ما عاشورای سیاسی داریم و دوام و بقای نظام ما به خاطر داشتن همین ویژگی‌هاست. وی پیرامون تحلیل شرق‌شناسان از وضعیت خودشان گفت: ادوارد سعید می‌گوید غربی‌ها نه تنها شرق را تفسیر می‌کنند بلکه آن را تولید نیز می‌کنند. بعد روشنفکران شرق تفاسیر غرب از شرق را می‌خوانند و آنگاه به تحلیل می‌پردازند. در حالی که ما باید با معرفت بومی به شرق نگاه کنیم. ما باید بدانیم که دین ما مولد سیاست ماست و ما نقطه تحقیر تاریخی‌مان را با انقلاب اسلامی پاسخ دادیم. حال بعضی از روشنفکران ما بدون تحلیل انقلاب اسلامی از آن عبور می‌کنند. حتی یکی از اساتید دانشگاهی بنده امام خمینی (ره) را از اندیشمندان قرن ۲۰ قلمداد نمی‌کرد. این نگاه خود کم‌بینی آفت کار ماست و ما باید بدانیم که غرب برای حذف ایدئولوژی ما قد علم کرده است. مدیرمسئول روزنامه جوان افزود: شاهد این مدعا نیز اتفاقات اخیر است که ما در مذاکرات خیلی امتیازها به غرب دادیم اما آنان دست بردار نیستند و مسائل موشکی و هسته‌ای را علم کردند قطعا در ادامه نیز به اصل نظام وارد می‌شوند. گنجی با اشاره

به مشکلات شوروی که باعث فروپاشی آن رژیم شد، گفت: مشکل اندیشه‌ای که شوروی را اداره می‌کرد این بود که با فطرت انسان سازگار نبود و آنچه که با فطرت انسان سازگاری نداشته باشد دوام نخواهد آورد. غرب نیز شوروی را در یک جنگ سرد وارد کرد و شوروی نیز در این رویارویی کم آورد. وی ادامه داد: ما نیز الان در حال تجربه و تمرین کردن حاکمیت هستیم چرا که با سر کار آمدن هر دولتی ما یک تجربه جدید کسب می‌کنیم اما این موضوع برخلاف نظر زیباکلام به فروپاشی ما نمی‌انجامد اما اگر ما از مواضع دینی‌مان عدول کنیم فروپاشی ما نزدیک خواهد بود. مدیرمسئول روزنامه جوان با تاکید بر اینکه قدرت تشیع بود که ایران را یکپارچه کرد، گفت: این تشیع بود که ایران را به صورت ملت درآورد و وحدت ملی کنونی ما به تشیع برمی‌گردد، ما مانند پهلوی اول نیستیم که زبان فارسی را برای ملیت علم کنیم بلکه بر اسلام شیعی تاکید می‌کنیم. بنده در رد سخنان زیباکلام که بیان می‌داشت علمای اسلام سیاسی نبودند، باید بگویم که ما در این خصوص حکم میرزای شیرازی را داریم. در زمان صفویه از اینکه شاه تاجش را از علمای دینی می‌گیرد، بدین معنی است که شاه مشروعیت خود را از عالم دینی اخذ می‌کند و این نشان از سیاسی بودن علمای اسلام خصوصاً شیعه دارد. گنجی تصریح کرد: اگر تشیع خطری برای غرب نداشت چرا آنان بهائیت را به وجود آوردند. خطری که انگلیس در شیعه دیده بود باعث شد فرقه بهائیت را در شیعه بوجود بیاورد. همچنین امام (ره) می‌فرمایند اسلامی که خطری برای جهان‌خواران نداشته باشد اسلام نیست. مدیرمسئول روزنامه جوان افزود: امام (ره) می‌فرمایند اگر هم اکنون آمریکا یک کشور اسلامی را با خاک یکسان کند مسلمانان چه کار خواهند کرد؟ ما با آمریکا چه کار کردیم که آنها اینقدر علیه ما فعالیت می‌کنند. اشتباه است که تعارض‌مان و تضادمان با آمریکا را تنها به تسخیر سفارت آمریکا تقلیل دهیم. تسخیر سفارت تنها یک معلول است. وی ادامه داد: بعد از دوره کریم خان زند تا انقلاب اسلامی ایران هر روز کوچک‌تر شد اما آیا امروز جمهوری اسلامی به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شده است یا نه؟ آیا این به برکت شیعه سیاسی نیست؟ بین ایران و ایوب‌سیون و غرب این اشتراک نگاه وجود دارد که ایران استقلال خود را حفظ کرده است در حالی که قبل از انقلاب این وضعیت وجود نداشت. استقلال کنونی ما به برکت اسلام است چرا که اگر اسلام را از عرصه سیاسی خود بگیریم به گذشته برخواهیم گشت. از پایان صفویه تا انقلاب اسلامی اندیشه سیاسی از حوزه اندیشه دینی خارج بوده است. به همین خاطر بود که در ایران در عرصه حکومت سردرگمی وجود داشت. * امام خمینی(ره) نظام سیاسی را بومی کرد گنجی خاطرنشان کرد: امام (ره) نظام سیاسی به وجود آورد و آن را بومی کرد حال آیا ما نمی‌توانیم در عرصه‌های دیگر تفکر کنیم و نظام‌های متناسب با خودمان را به وجود آوریم؟ البته ما می‌خواهیم سرپای خود بایستیم اما غرب چنین چیزی را نمی‌خواهد و چهره ایدئولوژیک اسلام وقتی که در عرصه مبارزه وارد شود ظهور پیدا می‌کند. وی در ادامه به نقد بازرگان گفت: البته بازرگان معتقد نبود که دین از سیاست جداست اما مشکل وی این بود که در عرصه نظر خوب عمل می‌کرد اما وقتی وارد عمل شد نتوانست مکانیسمی بین لیبرالیسم و حکومت اسلامی برای اجرای احکام اسلام ایجاد کند. مدیرمسئول روزنامه جوان با

بیان اینکه مسئله ما با رژیم صهیونیستی تنها مشکل فلسطین نیست، گفت: تشیع و صهیونیسم به جهت فکری با هم تضاد دارند. راهبرد صهیونیست‌ها تشکیل حکومت از نیل تا فرات است حال آیا انقلاب اسلامی باعث نشد که آنان همان جایی که الان حضور دارند محصور شوند؟ گنجی با تاکید بر اینکه بشار اسد بخشی از قدرت منطقه‌ای ماست، گفت: شیعه‌هراسی که آمریکا به وجود آورده مگر در همین دو سال جنگ در سوریه است؟ آمریکا از اول انقلاب شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی را به وجود آورده بود. مصر و پاکستان نیز مشکلی با غرب ندارند، حال آیا آنان مشکلات بیشتری دارند یا جمهوری اسلامی؟ آیا آنان در برابر آمریکا اقتدار بیشتری دارند یا جمهوری اسلامی؟ وی با بیان اینکه ما امام (ره) را به عنوان یک اندیشمند سیاسی می‌شناسیم، گفت: ما منهای امام چیزی برای گفتن نداریم ما علاوه بر نگاه استدلالی به سخنان امام نگاه تعبدی نیز داریم. ما سخن امام که بیان داشتند غرب ما را رها نخواهد کرد در این ۳۵ سال به عینه تجربه کردیم و معتقدیم تنها چیزی که می‌توانیم با آن با جهان‌خواران مبارزه کنیم، اسلام است. وی در پایان گفت: ما باید ایران را از نگاه خودمان مطالعه کنیم نه آنچه که غرب برای ما تولید کرده است. البته باید این را بگویم که ما رژیم صهیونیستی را یک رژیم غاصب می‌دانیم و هیچ‌گاه آنان را به رسمیت نخواهیم شناخت. زیباکلام: اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم / مشکل اصلی ما نگاه ایدئولوژیک به جهان است عضو هیات علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه علت دشمنی رژیم صهیونیستی با ایران بدین خاطر است که ما می‌خواهیم آنان را محو کنیم، گفت: من کشور اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم چرا که سازمان ملل آن را به رسمیت شناخته است. به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه خبرگزاری فارس، صادق زیباکلام عضو هیات علمی دانشگاه تهران در این مناظره گفت: من در گذشته تضاد و مبارزه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی با غرب را متأثر از میراثی که از جریان چپ مارکسیستی به جریانات انقلابی رسیده بود، می‌دانستم اما الان معتقدم شروع ستیز جمهوری اسلامی با غرب از جایی بود که مسلمانان انقلابی در سال ۵۸ جا پای مارکسیست‌ها گذاشت و همان باورهای آنان را پذیرفتند. وی افزود: ضدیت جریانات اسلام‌گرا با غرب که نقطه تحقق آن با اشغال سفارت همراه بود به خاطر رقابت نفس‌گیری بود که بین مارکسیست‌ها و بچه مسلمانان وجود داشت. این رقابت آنقدر جدی بود که این بچه‌ها تنها با گلوله به هم شلیک نمی‌کردند البته دست بالا به مارکسیست‌ها تعلق داشت به همین خاطر از طرف یاران امام (ره) قول و قرارهایی با سفارت آمریکا در ایران گذاشته شد و «شان من» عنوان می‌کند که من دیدم آقای بازرگان، بهشتی و موسوی اردبیلی به سفارت می‌آمدند و مذاکره می‌کردند. استاد علوم سیاسی ادامه داد: مارکسیست‌ها جریانات اسلام‌گرا را به حالت تدافعی کشیده بودند و این جریانات تلاش می‌کردند تا از سلامت انقلاب دفاع کنند و بعد از اشغال سفارت آمریکا موازنه به سرعت به نفع مسلمانان انقلابی برگشت و آن هیئت انقلابی برای جریانات اسلام‌گرا به وجود آمد و رهبران انقلاب نیز با همه وجود به این جریان پیوستند چون متوجه شدند هیئت و پرستیژ اجتماعی برای آنان به وجود می‌آورد و از این طریق می‌توانند رقبای خود را قلع و قمع کنند. شنل آمریکاستیزی که بر دوش رهبران انقلاب ایران افتاد باعث شد آنان

به راحتی این شغل را از دوش خود بردارند. عضو هیات علمی دانشگاه تهران با اشاره به تفاوت روحیه انقلابی در سال ۵۸ و ۹۲ گفت: در سال ۵۸ چهره‌های متشخص انقلابی کسانی بودند که با امپریالیست آمریکا مبارزه می‌کردند و مانند الان نبود که پرستیژ انقلابی را افرادی مانند نلسون ماندلا داشته باشند که بعد از روی کار آمدنش یک نفر را هم اعدام نکرد. وی افزود: زمانی که ما قبول کردیم گروگان‌ها را آزاد کنیم نتوانستیم هیچ امتیازی از آمریکا بگیریم و حال کسی نیز از بیانیه الجزایر دفاع نمی‌کند. در مورد مسئله هسته‌ای نیز این داستان در حال تکرار شدن است. زیباکلام با طرح این سوال که چه شد این جریان آمریکاستیزی ادامه پیدا کرد، گفت: در ایران موج امپریالیسم‌ستیزی ادامه پیدا کرد اما این موج در جهان ادامه پیدا نکرد بدین خاطر که جمهوری اسلامی خود را یک نظام ایدئولوژیک تعریف می‌کند. تفاوت ما با ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی این است که آنان مسلمانانی هستند که در یک انتخابات دموکراتیک نصف ۱ را به دست آوردند و به قدرت رسیدند اما ما این نگاه را نداریم و نگاهمان به نظام جمهوری اسلامی یک نگاه ایدئولوژیک است که مرکز همه خوبی‌ها است. وی ادامه داد: این نظام به طور طبیعی خود را رقیب جلوه می‌دهد و وارد پیکار می‌شود در حالی که ما مشاهده می‌کنیم حزب عدالت و توسعه در ترکیه نگاه ایدئولوژیک به حکومت ندارد در حالی که ما معتقدیم نظام سیاسی و اقتصادی ما برترین است و به همین خاطر مجبوریم خودمان را در تضاد با غرب ببینیم و نمی‌توانیم قبول کنیم که غرب از جهت اقتصاد و مناسبات سیاسی از ما برتر است. این استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه رویکرد ما به اسلام ایدئولوژیک‌محور است، گفت: البته این نوع نگاه بیشتر در حکومت وجود دارد و بیرون از حوزه حکومت در حال رنگ باختن است و بزرگترین مشکل آن نیز نسل تحصیل‌کرده است. وی افزود: اسلامی کردن علوم انسانی نیز بدین خاطر است که نظام متوجه شده که نسل تحصیل‌کرده ما خودشان را در تضاد با غرب نمی‌بینند و فکر نمی‌کنند نظام اسلامی ما در حوزه سیاسی و اقتصادی برتر است. * آنچه در شوروی اتفاق افتاد در جمهوری اسلامی هم اتفاق می‌افتد زیباکلام تاکید کرد: نظام ما روزه‌روز مانند شوروی در اقلیت قرار می‌گیرد و آنچه که در شوروی اتفاق افتاد در جمهوری اسلامی نیز اتفاق خواهد افتاد و این نظام خود را از درون اصلاح خواهد کرد. استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران گفت: اگر در تشیع یک روحیه مبارزه و ستیز نهفته است که باعث می‌شود جمهوری اسلامی روحیه مبارزه‌گرایانه داشته باشد پس چرا در شیعیان عراق این وضعیت وجود ندارد و چرا آیت‌الله سیستانی شیعیان را علیه آمریکا بسیج نمی‌کند؟ البته نمی‌دانم اگر حمایت ایران از حزب‌الله برداشته شود آنان چقدر می‌توانند دوام بیاورند. وی با تاکید بر اینکه بزرگترین ویژگی تشیع غیرسیاسی بودن آن است، گفت: کافی است به نظر علمای گذشته از صفویه تا پهلوی نگاه کنید و ببینید که راجع به حکومت و سیاست چه گفته‌اند ما شاهدیم که در دوره صفویه علما تاج پادشاهی را بر سر شاهان قرار می‌دادند و در آن دوران علمای شیعه در کنار حکومت هستند و نهضت مشروطه نیز علما را همسو با خود کردند و در زمان محمدرضا پهلوی نیز علما کاری به سیاست نداشتند تنها روحانی‌ای که این وضعیت را به هم زد امام(ره) بود در غیر این صورت تمام علمای بزرگ

تشیع با حکومت همراه بودند به همین خاطر وقتی ما می‌بینیم که علما با شاه و حکومت طاغوت کاری نداشتند طبیعتاً با غرب نیز کاری نداشتند. عضو هیات علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه دو نگاه به اسلام وجود دارد، گفت: یک عده معتقد هستند که اسلام باید رو به جلو حرکت کند و باید توسعه‌گرا باشد و دین تنها برای دنیای دیگر ما نیست مانند بن‌لادن. در ایران نیز این نگاه غالب است که باید با نظام سلطه مبارزه کنیم و یک نگاه کاملاً ایدئولوژیک‌زده به دین در حالی که دیگر مسلمانان این نوع نگاه را ندارند. آنچه که افول خواهد کرد نگاه ایدئولوژیک‌زده به دین است چراکه نگاهی سیاست‌زده است. زیباکلام در ادامه با اشاره به نگاه بازرگان به دین گفت: بازرگان تمام عمرش را صرف این کرد که بگوید اسلام برای این دنیا نیز حرف دارد تا این دنیا را برای ما بهشت کند و نسل ۵۷ نیز با تمام وجود معتقد بود که اقتصاد توحیدی وجود دارد و ما در اوایل انقلاب نگاه ایدئولوژیک به اسلام داشتیم و معتقد بودیم که کامل‌تر از ایده‌های غرب و شرق است. وی افزود: اما بازرگان در آخرین سخنرانی‌اش در حسینیه ارشاد طوری سخن می‌گوید که انگار می‌خواهد عنوان کند تجربه نظام جمهوری اسلامی باعث شده به این نتیجه برسد که اسلام آمده است تا بگوید آن دنیا و پیامبری نیز وجود دارد. شما از کجای قرآن می‌توانید استخراج کنید که نظام بانک به وجود بیاید و بتوانیم عربستان را سر جایش بنشانیم اما این نگاه در سال ۵۷ وجود داشت. زیباکلام در ادامه افزود: ما در اوایل انقلاب اعتراض داشتیم که چرا اقتصادی که در شورای نگهبان تصویب شد لفظ توحیدی ندارد ما تا این حد ایدئال‌گرا بودیم به همین خاطر به خانه شهید بهشتی رفتیم تا اعتراضمان را به آنان اعلام کنیم که شهید بهشتی در پاسخ به ما گفتند ما تلاش کردیم اما دیگران موافق نبودند و این موضوع رای نیابرد البته الان متوجه می‌شوم که آن دیگران درست می‌گفتند الان ما می‌بینیم که اقتصاد توحیدی ما بهره ۲۵ درصد می‌گیرد و حال آیا شما فکر می‌کنید در اسلام اقتصاد وجود دارد. این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در ادامه مشکلات رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران را برشمرد و گفت: ما قائل هستیم که باید اسرائیل را نابود کنیم به همین خاطر جنبه ایدئولوژیک گرفته‌ایم و برای آن همه‌کار می‌کنیم، سوال بنده این است که این رسالت را چه کسی برعهده ما گذاشته است؟ چرا سیاست خارجی ما براساس همین تفکر اقدام می‌کند؟ * مشکل اصلی ما نگاه ایدئولوژیک ما به جهان است زیباکلام تصریح کرد: ما وقتی صحبت از اقدامات آمریکا علیه خودمان را می‌خواهیم بیان کنیم لیست بلندبالایی ارائه می‌دهیم اما هیچ‌وقت نمی‌گوییم که با نگاه ایدئولوژیکمان چه اقداماتی علیه غرب و آمریکا کرده‌ایم و چه تحریفات و دروغ‌هایی علیه آنان به کار برده‌ایم، مشکل اصلی ما نگاه ایدئولوژیک ما به جهان است. وقتی ما می‌خواهیم نظام سلطه و اسرائیل را نابود کنیم آیا می‌شود توقع داشته باشیم که آنان کاری نکنند؟ عضو هیات علمی دانشگاه تهران خاطر نشان کرد: ما روز به روز در حال باختن هستیم چراکه نتوانسته‌ایم نسل‌های تحصیل‌کرده بعد از انقلاب را حفظ کنیم و حمایتان از بشاراسد باعث شده تمام اعراب را علیه خودمان بسیج کنیم و به دلیل سیاست‌های غلطمان سنی‌ها از هویت سنی بودنشان آگاه شدند. زیباکلام با اشاره به حضور در دانشگاه زاهدان

گفت: حدود ۸۰ نفر از دانشجویان آن دانشگاه با لباس بلوچی و با حرارت کامل از کینه‌هایشان صحبت می‌کردند و هیچ ترسی نیز از حراست دانشگاه نداشتند. ما نه‌تنها در عرصه بین‌الملل هر کسی را که توانستیم علیه خودمان دشمن کردیم بلکه در عرصه داخلی نیز همین کار را انجام دادیم.

سرمایه‌گذاری‌های ما در ونزوئلا چه نتیجه‌ای داشت اگر امام (ره) الان حاضر بودند چقدر تضمین می‌دادید که سخنان سال ۵۷ را تکرار می‌کردند اگر ما فقط به سخنان امام در ۳۰، ۴۰ سال گذشته رجوع کنیم پس باید درب دانشگاه امام صادق (ع) و تهران را گل بگیریم. وی در پایان سخنان خود گفت: ما به جای اینکه نگران غرب باشیم سعی کنیم وضعیت مملکت خودمان را حل کنیم. بنده کشور اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم چراکه سازمان ملل آن را به رسمیت شناخته است.» متن خبر خبرگزاری فارس در مورد یادداشت آقای عباس مقتدایی در پاسخ به آقای زیباکلام «» گزارش حوزه پارلمانی خبرگزاری فارس، عباس مقتدایی استاد دانشگاه و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با ارسال یادداشتی به خبرگزاری فارس به اظهارات اخیر صادق زیباکلام در مناظره با عبدالله گنجی در دانشگاه امام صادق (ع) پاسخ گفت. متن این یادداشت به شرح ذیل است: من بر این گمانم که متأسفانه آقای دکتر زیباکلام، در زمینه مباحث سیاست اسلامی از سواد (دانش و آگاهی) لازم برخوردار نیست و به همین جهت غالباً موضوعاتی التقاطی را مطرح می‌نمایند و البته برخی معتقدند این تلاشها از جانب ایشان، از آن روست که همچنان نامش بر سر زبان‌ها بیفتد و معتقدند ایشان به همین خاطر دیدگاه‌های تاریخ مصرف گذشته را در هر دوره به اقتضای زمان، به گونه‌ای دیگر تکرار می‌کند تا مبدا نامش مانند بسیاری دیگر از هم‌اندیشان، به فراموشخانه یادها سپرده شود. اما من به هر حال نمی‌دانم آیا این حرف‌های طرح شده از سوی ایشان برای آن است که بتواند منافع مادی و یا کمک‌ها و مساعدت‌هایی را از آن سوی مرزها، «مثلاً اسرائیل» برای خود، دست و پا کند و یا اینکه واقعاً انگیزه‌های دیگر، سبب می‌شود که موضوعاتی از نوع مطالب منتشر شده در رسانه‌ها را مطرح نماید؛ به هر تقدیر چون اینجانب دانش آموخته دانشگاه امام صادق (علیه السلام) هستم و سال‌ها در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد، اندیشه‌های سیاسی اسلام را تدریس نموده‌ام؛ علیرغم اینکه پیشتر هیچگاه تمایلی نسبت به پاسخ دادن به اظهارات آقای زیباکلام نداشتم و بهترین جواب، در برابر گفته‌های ایشان را خاموشی می‌دانستم، اما اینک چون می‌بینم مطالب وی ممکن است بخشی از افکار جامعه را به انحراف بکشاند؛ از سر ضرورت و به اختصار، چند نکته را متذکر می‌شوم: ۱. ایشان روحیه ضداستکباری مردم و رهبری ایران را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که گویی این رفتار، متأثر از نگرش مارکسیستی است؛ البته چون ایشان اطلاعات قرآنی و دینی ندارند و بدیهی است در حد بضاعت اندک خود در این زمینه، اظهار نظر می‌نمایند؛ فلذا توجه ایشان را به آیات متعدد قرآن جلب می‌کنم که در آن مبارزه با طاغوت و نفی روحیه ستمگری و ستم‌پذیری و دوری از روحيات شیطانی و غیر دینی و نیز نفی فساد در زمین تبیین شده است؛ از جمله آیات: دهم و هجدهم سوره فاطر، شصت و چهارم سوره مائده و صدها آیه دیگر که در پایان نامه اینجانب در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) موجود است و

می توانند مراجعه و مطالعه نمایند. به علاوه این موضوع در قانون اساسی ایران که میثاق ملی کشور هم محسوب می شود و قاعدتاً همه افراد یک ملت به آن پای بند هستند؛ تصریح شده است و در مقدمه قانون اساسی و نیز در بند ۵ اصل سوم و بند ۱۶ همان اصل این موضوع مطرح شده است و علاوه بر آن در اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ از فصل دهم قانون اساسی، خط مشیء کشور در سیاست خارجی، بیان شده است؛ لذا نباید روحیه ضداستکباری و ظلم ستیزی مردم را تقلیل داده و آن را حمل بر عوامل بی اساسی چون تفکرات مارکسیستی نماییم؛ چرا که این رفتار و منش ملت مسلمان ایران، ریشه در مبانی و آموزه های دینی آنان دارد و قطعاً و یقیناً تقلید از مارکسیسم نیست و مبتنی بر پشتوانه های قوی و منطقی دینی و عقلانی و قانونی است و مباحث عمیق تولی و تبری به عنوان آموزه های اسلامی در آن دخیل است. ۲. ایشان گفته اند: «اسرائیل را به رسمیت می شناسند»؛ چون اینجانب دانش آموخته رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل هستم؛ این نکته را به خوانندگان این مطلب یادآوری می کنم که اصولاً موضوع «به رسمیت شناختن یا نشناختن»، موضوعی است که در صلاحیت دولت هاست و به فرد یا افراد خاص یک ملت مربوط نمی شود؛ زیرا اگر قرار باشد به رسمیت شناختن و یا نشناختن به دست و نظر افراد باشد؛ در هر لحظه و یا ساعتی یک نوع خاصی از نظر و نگرش شکل می گیرد و طبیعی است که در صحنه و عرصه روابط بین الملل این دولت ها هستند که باید از مجاری قانونی، مسأله به رسمیت شناختن و یا نشناختن دولت دیگر را، آن هم در دو حالت اصطلاحاً دوژوره یا دوفاکتو با تعریف علمی خاص، مورد اقدام قرار دهند؛ بنابراین اظهارنظر این آقا در مورد اسرائیل، از اساس مبنایی غیرعلمی و غیرقانونی دارد چون قانون برای ایشان حقی در به رسمیت شناختن یا نشناختن قائل نشده و ایشان هم مانند شهروندان دیگر، باید به قانون پای بند باشد و رفتارهای غیرقانونی انجام ندهد. علاوه بر این فصل دهم قانون اساسی ایران به ویژه اصل ۱۵۲ آن، نوع و کیفیت روابط خارجی را مشخص نموده است و اگر ایشان به این استناد که چون سازمان ملل چیزی را پذیرفته، ما هم می پذیریم؛ معتقد است باید اسرائیل را به رسمیت شناخت؛ باید گوشزد کرد که بر طبق حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی ایران مواردی را که رسماً از سوی دولت ایران پذیرفته شده است را باید مبنای مراودات و عمل بین المللی قرارداد؛ در غیر این صورت موارد زیادی هست که در در پاره ای از مجامع بین المللی به رسمیت شناخته می شود و لیکن ما به دلایل دینی و عقلی و حتی اخلاق اسلامی از پذیرش آن سر باز می زنیم؛ مثلاً پدیده همجنس گرایی، در برخی از مجامع بین المللی پذیرفته شده و بدیهی است که ما بر اساس اخلاق اسلامی آن را نفی می کنیم. بنابراین باید به ایشان یادآوری کرد که شما به دلیل اینکه تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران را دارید باید در گام اول آن چیزی را بپذیرد که قانون اساسی کشوری که تابعیت آن را دارید پذیرفته است و پس از این مرحله، این دولت جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس رأی ملت، حق اعمال حاکمیت دارد؛ نه جنابعالی که چنین حقی از سوی ملت، به شما واگذار نشده است. البته این موضوعات از مباحث اولیه ای است که ما معمولاً به دانشجویان ترم اول رشته علوم سیاسی و روابط

بین الملل آموزش می دهیم و من فکر می کنم ایشان این مباحث را بدانند لیکن شاید در فضایی احساسی، بخشی از آن را نادیده گرفته اند و در هر صورت از یک فرد دانشگاهی، همواره توقع و انتظار است که رفتار و گفتار علمی و منطقی و مبتنی بر قانون داشته باشد. ۳. غرب سالهاست وقت و هزینه صرف نموده تا رویکردهای خود را در تمام نقاط عالم فراگیر نماید. یکی از خواسته های کشورهای غربی، نگاه غیرایدئولوژیک از سوی سایرین به عرصه بین الملل و سیاست است(در حالی که خودشان دائماً در حال ترویج رویکردهای لیبرالیستی و کاپیتالیستی هستند) و این نقطه مقابل دیدگاه اسلام نابی است که امام خمینی(ره) برای احیاء آن در دوران معاصر تلاش نمود و انقلاب اسلامی امروز پرچم دار آن است و کوشش و اهتمام عمومی غرب هم، بر افتادن این پرچم الهام بخش بر زمین است و جای تعجب نیست که پرورش یافتگان در دامان رویکردهای غربی، نگاه دین مدارانه را صراحتاً به عنوان یک «مشکل» مطرح نمایند؛ نکته ای که آقای زیباکلام بر آن اصرار دارد و به تصریح گفته است که: «مشکل اصلی ما، نگاه ایدئولوژیک به جهان است». ۴. ایشان مباحث دیگری هم در خصوص حضرت امام (ره)، شهید بهشتی و نیز دانشگاه امام صادق(علیه السلام) بیان نموده اند که گمان من بر این است که یا دچار فقر اطلاعات در خصوص موارد یادشده هستند و یا آنکه مأموریتی از محلی خاص، برای تخریب اذهان مردم دارند. در هر صورت ایشان را اولاً به تقوا و رعایت مبانی اسلامی توصیه می کنم و آمادگی خود را برای آموزش و یا در اختیار گذاشتن متون مناسب جهت افزایش اطلاعات ایشان اعلام می دارم و البته همین پاسخ هایی که به ایشان داده می شود را نیز موجب بزرگتر شدن ایشان و درشت نمایی وی می دانم لذا از سایر همکاران فرهیخته و اندیشمند تقاضا دارم صرفاً در حد ضرورت، مطالب ایشان را مورد پاسخ و نقد قرار دهند؛ چون بخش عمده ای از مطالب ایشان فاقد پشتوانه های علمی و فنی است.»»»»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: البته جوابی که آن برادر به آقای زیباکلام داده است نکات خوبی دارد ولی عمده مشکل نظام اسلامی با این نوع تفکر مسئله غفلت از تقابل دو تمدن است، یکی تقابل تمدن اسلامی با آرمان های خاص خود که امروز جمهوری اسلامی بنای پایه ریزی آن را دارد و دیگری تقابل تمدن غربی و اصراری که آن تمدن بر نفی نظام دینی در مناسبات بشری دارد و اگر بنای احیای تمدن اسلامی در میان نباشد راه، همان است که آقای زیباکلام می فرماید که ما نیز به عنوان یک کشور جزء اقمار نظامی شویم که بالاخره آمریکا و تفکر استکباری دنیای مدرن فرماندهی آن هستند. در حالی که آموزه های دینی و مردم ما با انقلابی که کرده اند بحمدالله تاریخی را شروع نموده اند که این تاریخ ما را وارد در زندگی توحیدی خواهد کرد و از این همه مشکلات و بحران هایی که جهان مدرن بدان گرفتار است نجات خواهد داد و گلهی رهبری از این که فرمودند عده ای می خواهند دشمنی آمریکا با ملت ما را بی رنگ جلوه دهند، از آن جهت است که این عده عملاً موجب بسط تمدن غربی خواهند شد و این ادامه ی یک نوع بردگی است برای ملت ما. مثل بردگی بسیاری از ملل امروز دنیا که یوغ بندگی آمریکا

را بر گردن انداخته‌اند. آیا این با سخن امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» که می‌فرمایند: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» بنده‌ی دیگران مباش که خدا تو را آزاد آفریده است می‌خواند؟ حضرت امام در سوم اسفند ۱۳۶۷ می‌فرمایند «آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند، این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت، چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به در آییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسئله، اشتباه ما نیست بلکه تعدد جهانخواران به نابودی اسلام و مسلمین است و الا مسئله فردی سلمان رشدی آن قدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیست‌ها و استکبار پشت سر او قرار بگیرند.» موفق باشید